

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴ • ۱۱دیجیه ۱۴۴۶ • ۷ ژوئن ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۲۷ • ۱۲ صفحه •
اذان ظهرتهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۲۹ • اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

www.sharghdaily.com

aparatz:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

الهه حسین نژاد آخرین زن قربانی نیست



زهرا مشاتق

زندگی بهتر به تهران کشاند. ذات و قصد او نباید قاتل‌شدن بوده باشد. تقلیل موقعیت او به عنوان صرف یک قاتل، نادیده‌گرفتن تمام تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که انسان‌ها را در موقعیت خطیر و غیرقابل برگشت جرم قرار می‌دهد. در مقبول‌بودن الهه حسین‌نژاد و قاتل‌بودن بهمن فرزانه، تمام کسانی که این کشور را به مرز فروپاشی اقتصادی و اخلاقی کشانده‌اند، تقصیر دارند. در مملکتی که یک کوشی تلفن‌ همراه که یکی از معمولی‌ترین وسایل مورد استفاده در تمام دنیاست، تبدیل به کالای لوکسی می‌شود که می‌تواند انگیزه سرقت و قتل باشد، باید فاتحه خیلی چیزها را خواند. نام این اتفاق نه یک قتل



یادداشت

ساترا؛ خانه‌ای از شن و مه



سهام‌الدین بورزویی

این نهاد، صلاحیت مستقل برای تنظیم‌گری ندارد، چراکه ناظر منافع خودش است. تا این مسئله حل نشود در بر همین پاشنه می‌چرخد و وضعیت کنونی هم ادامه پیدا می‌کند. باید گفت و نوشت که ساترا، نه ناظر بی‌طرف است و نه حافظ حقوق مخاطب. آنچه امروز در سایه این نهاد اتفاق می‌افتد، دفاع از منافع سازمانی است که در سال‌های طولانی اخیر نه فقط از رقابت جا مانده، بلکه اکنون با پنجه نظارت و پرتاب می‌تازد. این نهاد تنظیم‌گر نیست؛ دنج‌کننده حقوق هنرمند و مخاطب است به نفع خود.

بی‌آنکه بدانند یا بخوانند، پلتفرم‌های داخلی را به سمت سقوط سوق می‌دهند، آن‌هم در زمانی که همین رسانه‌ها با تمام ضعف‌ها و محدودیت‌ها، توانسته‌اند صدایی باشند برای مخاطبی که سال‌هاست میانه‌ای با تلویزیون ندارد. آیا حامی تولید داخلی بودن به همین معناست؟ بستن راه نفس رسانه‌هایی که با هزار اما و اگر در همین خاک و بیا همین زبان، در میان هزاران دشواران و موانع، محتوایی با اندکی تفاوت عرضه می‌کنند؟ همین حالا ده‌ها پلتفرم خارجی

۱.۵ میلیون زائر

اداره کل آمار عربستان سعودی تعداد کل زائران شرکت‌کننده در مناسک حج امسال (۱۴۰۴/۲۰۲۵) را یک میلیون و ۶۷۳ هزار و ۲۳۰ نفر اعلام کرد. از این تعداد، یک میلیون و ۵۰۶ هزار و ۵۷۶ نفر از خارج از کشور و ۱۶۶هزار و ۶۵۴ نفر از زائران داخلی، شامل شهروندان و ساکنان عربستان سعودی بوده‌اند. براساس این آمار، بیش از ۹۰ درصد از زائران حج امسال از کشورهای خارجی به عربستان وارد شده‌اند. این آمار نشان‌دهنده بازگشت کامل مناسک حج به ظرفیت‌های پیش از همه‌گیری کروناست. همچنین، مقامات سعودی اعلام کرده‌اند تدابیر امنیتی و بهداشتی ویژه‌ای برای مدیریت جمعیت عظیم زائران و تسهیل مناسک حج اتخاذ شده است.

۱۶ پرش

تام کروز، بازیگر مجموعه «ماموریت غیرممکن»، در جریان فیلم‌برداری قسمت جدید این مجموعه، با انجام ۱۶ پرش پیاپی با چتر نجات مشعل، رکورد جهانی کینس را به نام خود ثبت کرد. این بدلکاری نفس‌گیر در سکansı از فیلم «ماموریت غیرممکن: تسویه نهایی» انجام شد؛ جایی که کروز باید در حالی که چتر نجاتش در حال سوختن بود، از ارتفاع بالا به پایین می‌پرید. کروز در پشت صحنه یکی از این پرش‌ها می‌گوید: «اگر چتر پیچ بخورد، وارد چرخش می‌شوم و می‌سوزم. فقط ۱۰ ثانیه برای واکنش فرصت دارم». این صحنه احتمالاً آخرین بدلکاری بزرگ تام کروز در نقش «ایتن هانت» خواهد بود. قسمت جدید مأموریت غیرممکن با فروش جهانی ۳۶۰ میلیون دلار، رکورد بزرگ‌ترین افتتاحیه این مجموعه را با ۲۰۰ میلیون دلار شکست.

نظرخوانی

آزمون امتحان نهایی

فرصت سنجش اعتماداجتماعی

حجت‌اله طالبیان بروجنی: امتحان نهایی، نقطه‌ای

حیاتی در نظام آموزشی هر کشور است؛ آزمونی که نه‌تنها میزان یادگیری و تسلط دانش‌آموزان بر محتوای درسی را می‌سنجد، بلکه نقش اساسی در تضمین عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه دارد. در ایران، برگزاری امتحانات نهایی به‌صورت کشوری و هماهنگ، به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق عدالت آموزشی تعریف شده است؛ اما وقتی خبر لو رفتن سؤال‌های امتحانی بارها منتشر شده، این عدالت خدشه‌دار می‌شود و اعتماد اجتماعی نسبت به نظام آموزشی و در ادامه به ساختارهای کلان‌تر جامعه آسیب می‌بیند. از منظر تعلیم و تربیت، فلسفه برگزاری آزمون‌های نهایی، ایجاد «محیط یادگیری عادلانه» و ارتقای انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان است. جان دیویی، نظریه‌پرداز برجسته تعلیم و تربیت، معتقد بود آموزش باید فرصتی برابر برای رشد همه کودکان باشد و عدالت آموزشی پایه‌ای‌ترین پیش‌شرط این امر است. در شرایطی که سؤال‌های امتحانی به صورت ناعادلانه به دست برخی می‌رسد، ارزش‌های بنیادی تعلیم و تربیت مانند «برابری فرصت‌ها» و «شایسته‌سالاری» زیر سؤال می‌روند. از سوی دیگر، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و شناختی، اهمیت تجربه‌های اولیه نوجوانان را در شکل‌گیری هویت و اعتماد به نهادها نشان می‌دهد. اریک اریکسون، روان‌شناس مشهور توسعه روانی-اجتماعی، مرحله نوجوانی و جوانی را «بحران هویت» می‌داند که آن اعتماد به محیط و نهادهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارد. زمانی‌که دانش‌آموزان با فساد و بی‌عدالتی سیستم آموزشی مواجه می‌شوند، احساس بی‌اعتمادی ریشه‌دار می‌شود و این حس می‌تواند تا بزرگسالی و فراتر از آن ادامه یابد. طبق نظریه «سرمایه اجتماعی» پاتام، اعتماد متقابل میان اعضای جامعه پایه‌ای‌ترین مؤلفه توسعه پایدار اجتماعی است. وقتی اعتماد به ساختارهای آموزشی به عنوان بخش مهمی از سرمایه اجتماعی آسیب می‌بیند، این کاهش اعتماد به نهادهای دیگر نیز سرایت کرده و مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و حتی تعهد به وطن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجربه روانی و اجتماعی، در بسیاری از جوانان کشور به شکل «سرخوردگی، بی‌هویتی و پوچی» بروز می‌کند. فردی که به واسطه احساس نابرابری و تبعیض تحصیلی، اعتمادش را به جامعه از دست می‌دهد، نه‌تنها در مسیر رشد فردی متوقف می‌شود، بلکه تمایل به کناره‌گیری اجتماعی و حتی مهاجرت پیدا می‌کند؛ به این امید که در محیطی عادلانه‌تر فرصت‌های بهتری برای تحقق خود داشته باشد. ریاست محترم جمهوری، جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، در جلسات متعدد دغدغه خود را با این جمله بیان کرده‌اند: «باید نسلی پرورش دهیم که نگاهشان به خارج نباشد و ظرفیت خود را برای آبادانی کشور به کار بگیرند». تحقق این آرزو مستلزم بازسازی اعتماد اجتماعی در ریشه‌های نظام آموزشی است. تنها با شفاف‌سازی، مقابله قاطع با تخلفات و تضمین عدالت در برگزاری آزمون‌ها می‌توان زمینه‌ساز ایجاد «سرمایه اجتماعی» و تقویت «هویت ملی» در نسل جوان شد. امتحان نهایی، بیش از یک آزمون علمی، یک آزمون اجتماعی است و نمایشی از سلامت نظام آموزشی و شاخصی برای سنجش اعتماد اجتماعی. تازمانی که این آزمون به طور عادلانه برگزار نشود، جامعه ایران در بحران سرمایه اجتماعی و تهدید مهاجرت جوانان باقی خواهد ماند.

نظرخوانی

حجت‌اله طالبیان بروجنی: امتحان نهایی، نقطه‌ای حیاتی در نظام آموزشی هر کشور است؛ آزمونی که نه‌تنها میزان یادگیری و تسلط دانش‌آموزان بر محتوای درسی را می‌سنجد، بلکه نقش اساسی در تضمین عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه دارد. در ایران، برگزاری امتحانات نهایی به‌صورت کشوری و هماهنگ، به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق عدالت آموزشی تعریف شده است؛ اما وقتی خبر لو رفتن سؤال‌های امتحانی بارها منتشر شده، این عدالت خدشه‌دار می‌شود و اعتماد اجتماعی نسبت به نظام آموزشی و در ادامه به ساختارهای کلان‌تر جامعه آسیب می‌بیند. از منظر تعلیم و تربیت، فلسفه برگزاری آزمون‌های نهایی، ایجاد «محیط یادگیری عادلانه» و ارتقای انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان است. جان دیویی، نظریه‌پرداز برجسته تعلیم و تربیت، معتقد بود آموزش باید فرصتی برابر برای رشد همه کودکان باشد و عدالت آموزشی پایه‌ای‌ترین پیش‌شرط این امر است. در شرایطی که سؤال‌های امتحانی به صورت ناعادلانه به دست برخی می‌رسد، ارزش‌های بنیادی تعلیم و تربیت مانند «برابری فرصت‌ها» و «شایسته‌سالاری» زیر سؤال می‌روند. از سوی دیگر، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و شناختی، اهمیت تجربه‌های اولیه نوجوانان را در شکل‌گیری هویت و اعتماد به نهادها نشان می‌دهد. اریک اریکسون، روان‌شناس مشهور توسعه روانی-اجتماعی، مرحله نوجوانی و جوانی را «بحران هویت» می‌داند که آن اعتماد به محیط و نهادهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارد. زمانی‌که دانش‌آموزان با فساد و بی‌عدالتی سیستم آموزشی مواجه می‌شوند، احساس بی‌اعتمادی ریشه‌دار می‌شود و این حس می‌تواند تا بزرگسالی و فراتر از آن ادامه یابد. طبق نظریه «سرمایه اجتماعی» پاتام، اعتماد متقابل میان اعضای جامعه پایه‌ای‌ترین مؤلفه توسعه پایدار اجتماعی است. وقتی اعتماد به ساختارهای آموزشی به عنوان بخش مهمی از سرمایه اجتماعی آسیب می‌بیند، این کاهش اعتماد به نهادهای دیگر نیز سرایت کرده و مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و حتی تعهد به وطن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجربه روانی و اجتماعی، در بسیاری از جوانان کشور به شکل «سرخوردگی، بی‌هویتی و پوچی» بروز می‌کند. فردی که به واسطه احساس نابرابری و تبعیض تحصیلی، اعتمادش را به جامعه از دست می‌دهد، نه‌تنها در مسیر رشد فردی متوقف می‌شود، بلکه تمایل به کناره‌گیری اجتماعی و حتی مهاجرت پیدا می‌کند؛ به این امید که در محیطی عادلانه‌تر فرصت‌های بهتری برای تحقق خود داشته باشد. ریاست محترم جمهوری، جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، در جلسات متعدد دغدغه خود را با این جمله بیان کرده‌اند: «باید نسلی پرورش دهیم که نگاهشان به خارج نباشد و ظرفیت خود را برای آبادانی کشور به کار بگیرند». تحقق این آرزو مستلزم بازسازی اعتماد اجتماعی در ریشه‌های نظام آموزشی است. تنها با شفاف‌سازی، مقابله قاطع با تخلفات و تضمین عدالت در برگزاری آزمون‌ها می‌توان زمینه‌ساز ایجاد «سرمایه اجتماعی» و تقویت «هویت ملی» در نسل جوان شد. امتحان نهایی، بیش از یک آزمون علمی، یک آزمون اجتماعی است و نمایشی از سلامت نظام آموزشی و شاخصی برای سنجش اعتماد اجتماعی. تازمانی که این آزمون به طور عادلانه برگزار نشود، جامعه ایران در بحران سرمایه اجتماعی و تهدید مهاجرت جوانان باقی خواهد ماند.

نظرخوانی

حجت‌اله طالبیان بروجنی: امتحان نهایی، نقطه‌ای حیاتی در نظام آموزشی هر کشور است؛ آزمونی که نه‌تنها میزان یادگیری و تسلط دانش‌آموزان بر محتوای درسی را می‌سنجد، بلکه نقش اساسی در تضمین عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه دارد. در ایران، برگزاری امتحانات نهایی به‌صورت کشوری و هماهنگ، به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق عدالت آموزشی تعریف شده است؛ اما وقتی خبر لو رفتن سؤال‌های امتحانی بارها منتشر شده، این عدالت خدشه‌دار می‌شود و اعتماد اجتماعی نسبت به نظام آموزشی و در ادامه به ساختارهای کلان‌تر جامعه آسیب می‌بیند. از منظر تعلیم و تربیت، فلسفه برگزاری آزمون‌های نهایی، ایجاد «محیط یادگیری عادلانه» و ارتقای انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان است. جان دیویی، نظریه‌پرداز برجسته تعلیم و تربیت، معتقد بود آموزش باید فرصتی برابر برای رشد همه کودکان باشد و عدالت آموزشی پایه‌ای‌ترین پیش‌شرط این امر است. در شرایطی که سؤال‌های امتحانی به صورت ناعادلانه به دست برخی می‌رسد، ارزش‌های بنیادی تعلیم و تربیت مانند «برابری فرصت‌ها» و «شایسته‌سالاری» زیر سؤال می‌روند. از سوی دیگر، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی و شناختی، اهمیت تجربه‌های اولیه نوجوانان را در شکل‌گیری هویت و اعتماد به نهادها نشان می‌دهد. اریک اریکسون، روان‌شناس مشهور توسعه روانی-اجتماعی، مرحله نوجوانی و جوانی را «بحران هویت» می‌داند که آن اعتماد به محیط و نهادهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارد. زمانی‌که دانش‌آموزان با فساد و بی‌عدالتی سیستم آموزشی مواجه می‌شوند، احساس بی‌اعتمادی ریشه‌دار می‌شود و این حس می‌تواند تا بزرگسالی و فراتر از آن ادامه یابد. طبق نظریه «سرمایه اجتماعی» پاتام، اعتماد متقابل میان اعضای جامعه پایه‌ای‌ترین مؤلفه توسعه پایدار اجتماعی است. وقتی اعتماد به ساختارهای آموزشی به عنوان بخش مهمی از سرمایه اجتماعی آسیب می‌بیند، این کاهش اعتماد به نهادهای دیگر نیز سرایت کرده و مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و حتی تعهد به وطن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجربه روانی و اجتماعی، در بسیاری از جوانان کشور به شکل «سرخوردگی، بی‌هویتی و پوچی» بروز می‌کند. فردی که به واسطه احساس نابرابری و تبعیض تحصیلی، اعتمادش را به جامعه از دست می‌دهد، نه‌تنها در مسیر رشد فردی متوقف می‌شود، بلکه تمایل به کناره‌گیری اجتماعی و حتی مهاجرت پیدا می‌کند؛ به این امید که در محیطی عادلانه‌تر فرصت‌های بهتری برای تحقق خود داشته باشد. ریاست محترم جمهوری، جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، در جلسات متعدد دغدغه خود را با این جمله بیان کرده‌اند: «باید نسلی پرورش دهیم که نگاهشان به خارج نباشد و ظرفیت خود را برای آبادانی کشور به کار بگیرند». تحقق این آرزو مستلزم بازسازی اعتماد اجتماعی در ریشه‌های نظام آموزشی است. تنها با شفاف‌سازی، مقابله قاطع با تخلفات و تضمین عدالت در برگزاری آزمون‌ها می‌توان زمینه‌ساز ایجاد «سرمایه اجتماعی» و تقویت «هویت ملی» در نسل جوان شد. امتحان نهایی، بیش از یک آزمون علمی، یک آزمون اجتماعی است و نمایشی از سلامت نظام آموزشی و شاخصی برای سنجش اعتماد اجتماعی. تازمانی که این آزمون به طور عادلانه برگزار نشود، جامعه ایران در بحران سرمایه اجتماعی و تهدید مهاجرت جوانان باقی خواهد ماند.

خبرخوانی

سالمندان اطلاعی از خودمراقبتی دارند؟

با افزایش سن، نیاز به خودمراقبتی اجتماعی در سالمندان بیشتر احساس می‌شود -درحالی‌که اغلب سالمندان با این مقوله ناآشنا هستند و این ناآشنایی باعث می‌شود وقت و طرز زندگی آنها صرف‌اموری شود که به دلخواه و ایدئال آنها نیست. خودمراقبتی اجتماعی به معنای توانایی فرد برای مدیریت روابط اجتماعی، حفظ استقلال و بهبود کیفیت زندگی است؛ فرایندی که اهمیت آن در زندگی سالمندان هنوز به درستی درک نشده است. با توجه به اینکه بر اساس نتایج پیش‌بینی انجام‌شده در دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار مرکز آمار ایران، از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ایران هشت نفر در سنین ۶۵ سال و بیشتر هستند، ناآشنایی این جمعیت با خودمراقبتی اجتماعی می‌تواند تبعاتانی مانند کاهش مشارکت اجتماعی جمعیت ایران را در پی داشته باشد و وضعیت نگران‌کننده‌ای را به وجود بیاورد.

اتفاق‌خوانی

قتل الهه حسین نژاد

و بازتولید ناامنی ساختاری



عید قربان که برای اهل سنت، به‌ویژه جامعه ترکمن‌های گلستان، بزرگ‌ترین و با اهمیت‌ترین عید مذهبی به شمار می‌رود، با این‌هایی چون قربانی‌کردن دام، دید و بازدید و پوشیدن لباس نو همراه است. بازار روز آق‌قلا در این ایام نه‌تنها محلی برای تهیه دام قربانی، بلکه فضایی برای تبادل فرهنگی و نمایش شور اجتماعی مردم منطقه است.

عکس: محمد نسایی، اپسنا

ساده، بلکه نشانه‌ای تلخ از سقوط ارزش‌های انسانی، بحران عمیق اقتصادی و ریزش و فرسودگی سرمایه‌های انسانی است. بحران‌های اقتصادی، فقط جیب آدم‌ها را خالی نمی‌کند، بلکه آنان را می‌تواند از اخلاق نیز تهی سازد و شاخص سنجش سنجای اخلاقی را به مرز ورشکستگی بکشد. قتل الهه حسین‌نژاد نیز از جمله خشونت‌های آشکاری است که از سوی برخی مردان، به زنان اعمال می‌شود. شاید اگر به جای الهه، مسافر یک مرد بود، بهمن فرزانه، به لحاظ فیزیکی، قدرت رویارویی و کشتن او را پیدا نمی‌کرد. از این‌رو، نام الهه حسین‌نژاد نیز، در کنار فهرست بلندبالای زنانی قرار می‌گیرد، که توسط مردان، با هر سرزمینه‌ای و با خشونت تمام کشته شده‌اند.

به یاد بی‌اوریم اولین قتل در سال ۱۴۰۴، مرگ فاطمه سلطانی ۱۸ساله به دست پدرش، با ضربات چاقو و در اسلامشهر رخ داد. او نیز در یک آرایشگاه کار می‌کرد و حالا جدیدترین قتل باز هم در همان حوالی، تقاضای قصاص برای قاتل، پاک‌کردن صورت‌مسئله‌ای است که ریشه در اجتماع بیماری دارد که از فرهنگ تا سیاست و اقتصادش، ناسالم و آتشه به فساد است. قاتلی که به واسطه مردبودنش و نیز زن بودن مقتول، تنها در صورتی قصاص می‌شود که اولیای دم زن کشته‌شده، توان پرداخت نصف دیه او را داشته باشند. در غیر این صورت، شخص قاتل، دیه زن کشته‌شده را که نصف دیه یک مرد است، پرداخته، حداکثر ۱۰ سال حبس کشیده و سپس از زندان بیرون آمده و به زندگی معمول خود باز می‌گردد!

الهه، اولین و آخرین زن قربانی نیست. آنچه انجام آن، بیش از هر زمان دیگر، فوری و مهم است، علاوه بر تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان، ایجاد قوانینی در حمایت از زانی است که در صورت‌های نابرابر و کاملاً مردانه، جان خود را از دست می‌دهند یا آسیب جدی می‌بینند. التیام روح جمعی زخم‌خورده این مردم، مسئولیت‌پذیری سیاست‌گذاران و حمایت‌های کلان در راستای ترمیم رنج‌های اجتماعی و مشقات اقتصادی است.

از جمله تنفلکیس، اچ‌بی‌او، پرایم و... به‌راحتی در دسترس‌اند و مخاطب داخلی می‌تواند عطایا هزینه‌کردن برای داخلی‌ها را به لقایش ببخشد؛ دراین‌صورت نه نهاد تنظیم‌گر طرفی از چنین وضعیتی می‌بندد و نه تولیدکننده. در جهان امروز، تنظیم‌گری رسانه مسئله‌ای مدرن و تخصصی است و نیازمند نهادی مستقل، با ساختاری شفاف، پاسخ‌گو و به دور از تعارض منافع، ما به نهادی نیاز داریم که فارغ از رقابت با بازیگران بازار، تنها دغدغه‌اش «عدالت رسانه‌ای» باشد و نه حفظ انحصار. «اعتماد»، موضوعی است که ظاهراً مسئولان و متولیان به‌کلی نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند؛ آبی است که از جوی رفته و حالا پلتفرم‌های جدید با همه کاستی‌ها، در سال‌های اخیر توانسته‌اند بخشی از آن را بازگردانند و نقشی مهم در جلب اعتماد مخاطب داشته باشند. تا زمانی که ساترا در اختیار سازمان صداوسیما باقی بماند و تا زمانی که تنظیم‌گری رسانه‌ها به نهاد ذی‌نفع سپرده شود، توقیف، فیلتر، سانسور و فشار، نه استثنا که قاعده خواهد بود. در این میان، این نه فقط پلتفرم‌ها که هنر، خلاقیت، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی است که قربانی می‌شود. ساختار کنونی نه شفاف است و نه پاسخ‌گو، نه عادلانه و نه به‌لحاظ فرهنگی توسعه‌بخش.

روشن است که بحران کنونی نیازمند بازگشت دقیق‌تر به قانون است و لزوم جدایی میان ناظر و مجری، اگر این تفکیک صورت نگیرد، آینده فرهنگ تصویری کشور درون‌مای تاریکی خواهد داشت؛ صداوسیما به‌تفصیل و با کمیت لنگ، هل من مبارز می‌طلبید و هنرمندان هم به خودسانسوری، مهاجرت و هزاران فضای غیررسمی پناه می‌برند.

یک میلیارد دلار

پرهزینه‌ترین فیلمی که این روزها تهیه شده و تنها دستمزد بازیگران‌اش ۲۵۰ میلیون دلار بوده است، به‌زودی راهی سالن‌ها خواهد شد. «انتقام‌جویان: روز نابودی» به‌عنوان یکی از گران‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما ثبت خواهد شد. مارول فقط هشت میلیون دلار برای پیش‌تولید فیلم هزینه کرده و چند میلیون دلار هم برای تبلیغات و بازاریابی هزینه می‌کند. همچنین هزینه گرایی برای جلوه‌های بصری فیلم «انتقام‌جویان: روز نابودی» خرج شده و فیلم ۲۵ بازیگر مطرح را کنار هم قرار داده است. فیلم باید با استقبال شایان توجهی روبه‌رو شود تا بتواند به سوددهی برسد؛ یعنی با حساب هزینه پخش، باید بیش از یک میلیارد دلار بفروشد.